ترانه تاريک

بر زمينه‌ی سُربي‌ صبح

**سوار**

**خاموش ايستاده است**

**و يالِ بلندِ اسب‌اش در باد**

**پريشان مي‌شود.**

□

خدايا خدايا

سواران نبايد ايستاده باشند

هنگامي که

حادثه اخطار مي‌شود.

□

کنارِ پرچينِ سوخته

**دختر**

**خاموش ايستاده است**

**و دامنِ نازک‌اش در باد**

**تکان مي‌خورد.**

خدايا خدايا

دختران نبايد خاموش بمانند

هنگامي که مردان

**نوميد و خسته پير مي‌شوند.**

۱۳۵۲